

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی یزدی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۲۵ - دوشنبه ۹۱/۸/۸

روایت چهارم: سند روایت تمام است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ سَمِعَ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ.

حضرت در این روایت می‌فرماید: کسی که چیزی از ثواب بر چیزی بشنود و آن را انجام دهد آن ثواب برای او خواهد بود هر چند این ثواب آنچنان نباشد که به او رسیده است. در این روایت تعبیر «سَمِعَ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ» که دارای سعه زیادی است به کار رفته است.

روایت پنجم

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عِمْرَانَ الرَّعْفَرَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ التَّمَّاسَ ذَلِكَ الثَّوَابِ أُوتِيَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ؟

سند روایت به علت وجود محمد بن سنان و عمران الزعفرانی و محمد بن مروان که مشترک است ناتمام است.

۱. همان، ح ۶ (۱۸۷).

۲. همان، ص ۸۲، ح ۷ (۱۸۸).

حضرت فرمودند: کسی که به او ثوابی از جانب خداوند بر عملی برسد و آن عمل را انجام دهد به امید و طلب ثواب مذکور، به او ثواب مذکور داده می‌شود اگر چه حدیث آنچنان که به او رسیده است نباشد.

روایت ششم: حدیث مرسله است

أَحْمَدُ بْنُ فَهْدٍ فِي عُدَّةِ الدَّاعِي قَالَ رَوَى الصَّدُوقُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ بِطَرَفِهِ إِلَى الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ فَعَمِلَ بِهِ كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ مَا بَلَغَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْأَمْرُ كَمَا نُقِلَ إِلَيْهِ.^۱

روایت هفتم

عَبْدُ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ طَاوُسٍ فِي كِتَابِ الْإِقْبَالِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ بَلَغَهُ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ فَعَمِلَ بِهِ كَانَ لَهُ [أَجْرٌ] ذَلِكَ وَإِنْ (لَمْ يَكُنِ الْأَمْرُ كَمَا بَلَغَهُ).^۲

ظاهر آن است که روایت هفتم، یکی از همان روایات قبلی می‌باشد.

با ملاحظه‌ی روایات مذکور متوجه خواهید شد که عده‌ای از آنها در راوی مشترک هستند. مثلاً روایت اول و دومی که ذکر کردیم در سند آن علی بن حکم و هشام بن سالم وجود دارد، کما اینکه در یکی دیگر از روایات نیز هشام بن سالم قرار دارد. با توجه به اینکه روایات مشترکند و مجموع روایات شش حدیث هستند که برخی از آنها مرسل می‌باشد، چگونه می‌توان ادعای تواتر نمود؟!

تواتر یعنی اینکه تعدادی از افراد در تمام طبقات روایتی را نقل بکنند به گونه‌ای که تواطؤ آنان بر کذب محال باشد، و معلوم است که ما نحن فیه چنین نیست. آری، از آنجا که به بعضی این اسناد اعتماد وجود دارد حجت بر اینکه این روایات از معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صادر شده حاصل است، بلکه بعید نیست انسان اطمینان به صدور پیدا کند، اما اطمینان غیر از تواتری است که یقین‌آور است.

به هر حال اصل این روایات شرعاً ثابت است و مناقشه در آن معنا ندارد و دو روایت از روایت‌های مذکور سند صحیح داشتند که هر دو به هشام بن سالم می‌رسیدند و مفادی نزدیک به یکدیگر دارند. در روایت محاسن چنین ذکر شده است که: «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ فَعَمِلَهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ وَ إِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَقُلْهُ» و روایت کلینی نیز چنین است: «مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ».

۱. همان، ح ۸ (۱۸۹).

۲. همان، ح ۹ (۱۹۰).

به نظر می‌رسد این دو روایت بار معنایی یکسانی دارند و لعلّ اندکی روایت کلینی دارای سعه‌ی بیشتر است و به تعبیر بهتر، اعم بودن آن روشن‌تر از روایت محاسن برقی است. با توجه به این روایات باید مقدار دلالت آنها بررسی شود.

بررسی مقدار دلالت اخبار مَن بَلَّغ

از آنجا که این روایات متضمن بیان مطلب مهمی است، از قدیم مورد تأمل علما بوده است و خصوصاً متأخرین امعان نظر بسیاری در مقدار دلالت این روایات و معنای آنها به کار برده‌اند و حتّی جناب شیخ انصاری رساله‌ی مستقلی در رابطه با اخبار مَن بَلَّغ و تسامح در ادله‌ی سنن نوشته‌اند و متأخرین از اصولیین تقریباً همگی متعرض آن شده‌اند. در مجموع در مقام بررسی دلالت اخبار مَن بَلَّغ، شش احتمال بیان شده است که تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند.

احتمال اوّل در اخبار مَن بَلَّغ

اخبار مَن بَلَّغ اثبات حجّیت خبر ضعیف در غیر واجبات می‌کند. به تعبیر دیگر همان‌گونه که آیه‌ی نبأ علی فرض دلالت، خبر عادل را حجّت قرار می‌دهد علی الاطلاق، اخبار مَن بَلَّغ نیز در دایره‌ی خاصّی و به اندازه‌ی افاده‌ی استحباب، مطلق اخبار را حجّت می‌کند نه خصوص خبر ثقه را.

و شاید این تعبیر که به مشهور نسبت داده شده است: «تسامح در ادله‌ی سنن» با این احتمال سازگار است؛ یعنی در ادله‌ی مستحبات به برکت اخبار مَن بَلَّغ، حکم به استحباب می‌شود حتی اگر خبر دهنده‌ی آن فاسق باشد، مگر جایی که بدانیم آن خبر کذب است؛ زیرا اخبار مَن بَلَّغ بالاتر از خبر ثقه نمی‌باشد و اگر خبر ثقه‌ای قائم بر امری که کذب آن روشن است بشود آن خبر پذیرفته نمی‌شود و حجّت نخواهد بود، اخبار مَن بَلَّغ نیز چنین است و اگر بدانیم دروغ است و یا حتی علم تبعدی به دروغ بودن آن داشته باشیم - یعنی خبر ثقه‌ای بر خلاف آن قائم شود - خبر مذکور را نمی‌پذیریم.

احتمال دوم در اخبار مَن بَلَّغ

این اخبار فقط ارشاد به حکم عقل در حُسن انقیاد است و ثواب مذکور در آن همان ثواب انقیاد می‌باشد و چیزی بیشتر از همان درک عقلی افاده نمی‌کند و لکن بحث‌های گذشته مربوط به انقیاد در واجبات و محرّمات بود که فرد خطاءً فکر می‌کند چیزی واجب یا حرام است و انجام یا ترک می‌کند، ولی در ما نحن فیه مکلف احتمال امر یا نهی مولا می‌دهد و اطاعت می‌کند؛ یعنی در حالی که دلیل بر براءت دارد انقیاد نسبت به این امر احتمالی دارد.

احتمال سوم در اخبار مَنْ بَلَّغَ

اخبار مَنْ بَلَّغَ استحباب را برای عنوانی ثانوی درست می‌کند؛ یعنی می‌توان گفت عملی که تحت عنوان «بَلَّغَ عَلَيْهِ الثَّوَابُ» قرار دارد مستحب است. در واقع وقتی عنوان «بَلَّغَ عَلَيْهِ الثَّوَابُ» منطبق شود استحباب صادق خواهد بود. فرضاً در روایات ضعیفی آمده که مسواک زدن در شب مستحب است، نمی‌توانیم در رساله‌ی عملیه بنویسیم مسواک زدن در شب مستحب است اما از آنجا که تحت عنوان «بَلَّغَ عَلَيْهِ الثَّوَابُ» است می‌توان گفت انجام آن مستحب است به عنوان مصداقی از عنوان عملی که «بَلَّغَ عَلَيْهِ الثَّوَابُ» به خلاف احتمال اوّل که خود عمل را مستحب می‌کرد در این احتمال عنوان دیگری تحت استحباب می‌رود. این استحباب استحباب نفسی است و عنوان «ما بَلَّغَ عَلَيْهِ الثَّوَابُ» مشتمل بر مصلحت است.

احتمال چهارم در اخبار مَنْ بَلَّغَ

در این احتمال اخبار مَنْ بَلَّغَ استحباب طریقی درست می‌کند نه استحباب نفسی. تفاوت استحباب نفسی و استحباب طریقی آن است که در استحباب طریقی مصلحت مربوط به عنوان نیست بلکه مصلحت در شیء دیگری نهفته است که استحباب عنوان مذکور، طریق آن است. به تعبیر دیگر در استحباب طریقی مولا برای آنکه برخی مستحبات واقعیه‌اش فوت نشود بیان می‌کند هرچه بر آن ثوابی ذکر شده است مستحب است و برای درک مستحبات واقعیه است و اِلَّا خود عنوان، مصلحتی ندارد.

احتمال پنجم در اخبار مَنْ بَلَّغَ

روایات مَنْ بَلَّغَ، تنها یک وعده‌ی تفضلی از ناحیه‌ی شارع است که در شرایط خاصی اگر کسی عملی را انجام دهد خداوند متعال آن عمل را بی‌پاداش نمی‌گذارد، بدون آنکه نظری به رجحان عمل به عنوان یا به عنوان ثانوی دیگری داشته باشد و چیز دیگری را افاده نمی‌کند. نظیر آنکه در روایت قریب به این مضمون آمده است که: «مَا سَلِبَ أَحَدٌ كَرِيمَتَهُ إِلَّا عَوَّضَهُ اللَّهُ مِنْهُ الْجَنَّةَ!»؛ کسی نیست که چشمش از او گرفته شود مگر آنکه خداوند متعال در مقابل بهشت را به او می‌دهد. در واقع روایت این مطلب را بیان می‌کند که خداوند به قدری رحمت و کرم دارد که اگر چنین بلایی بر بنده‌اش وارد شود در مقابل

۱. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا ع قَالَ: مَا سَلِبَ أَحَدٌ كَرِيمَتَهُ إِلَّا عَوَّضَهُ اللَّهُ مِنْهُ الْجَنَّةَ.

(مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۴، ح ۱۳۸۶)

به او بهشت می‌دهد. این معنا تنها إخبار از فضل خداوند است و دلالتی بر نیکی از بین رفتن چشم ندارد بلکه بیان می‌کند در چنین شرایطی خداوند تفضلاً چنین عوضی به او می‌دهد.

اخبار مَن بَلَّغَ نیز می‌فرماید در شرایطی که ثوابی به کسی رسیده است اگر آن فرد عمل مذکور را انجام دهد خداوند تفضلاً ثواب را به او می‌دهد، ولی دلالتی ندارد که آن عمل خوب و پسندیده است.

احتمال ششم در اخبار مَن بَلَّغَ

اخبار مَن بَلَّغَ محرکیت اوامر استحبابی معلوم را تشدید می‌کند؛ یعنی اگر استحباب چیزی از قبل معلوم باشد اخبار مَن بَلَّغَ بیان می‌کند برای این مستحب معلوم، ثواب‌های مضاعف مذکور در روایت ضعیف نیز تضمین شده است. هنر اخبار مَن بَلَّغَ تشدید محرکیت اوامر استحبابیه‌ی معلومه است. مثلاً بیان می‌شود: «مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ!»؛ کسی که بر اهل بیت علیهم‌السلام گریه کند خداوند گناهانش را می‌آمرزد هرچند مثل کف‌های روی دریا باشد. رجحان گریه بر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام روشن است و اگر فرضاً این خبر سند نداشته باشد اخبار مَن بَلَّغَ بیان می‌کند که ثواب مذکور در روایت به گریه کننده اعطا می‌شود حتی اگر حدیث به این نحو در متن صادر نشده باشد.

بررسی احتمالات شش‌گانه در عالم اثبات

اکنون باید بررسی شود کدام‌یک از احتمالات شش‌گانه با روایات مذکور سازگار است.

بررسی احتمال اول در اخبار مَن بَلَّغَ

آیا اخبار مَن بَلَّغَ، مستحب درست می‌کند؟ آیا وزان اخبار مَن بَلَّغَ، وزان روایاتی است که بیان می‌کند اگر فلان عمل را انجام دهید فلان مقدار ثواب به شما داده می‌شود؟ (مثلاً اگر یتیمی را کفالت کنید همنشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بهشت خواهید بود.)

بنابر این احتمال، با اخبار مَن بَلَّغَ تمام مستحباتی که در کتب ادعیه و آداب و سنن آمده است را می‌توان به عنوان عمل مستحب در نظر گرفت. آیا می‌توان چنین استنباطی از اخبار مَن بَلَّغَ داشت؟

مقرر: سید حامد طاهری

۱. ابي عبد الله عليه السلام قال: مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ الذُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ. (وسائل الشيعة،

ج ۱۴، ص ۵۰۰، ح «۱۹۶۹۰»)